



هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
اقتصادی و ورزشی
سال بیست و سوم - شماره ۱۰۸۹
سه شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴
۱۴ شعبان ۱۴۴۷
۸ صفحه / ۱۰۰۰ تومان

NAKHOST ISSN 0921-2008
No .1089. 3 Feb . 2026

جنگ نیست

به نفع هیچ کسی



۲

رونمایی از ۷۵ آتوبوس جدید



۴

با اعتبار و تضمین بانک کشاورزی خرید کنید



۵

مدیریت انفعالی خط قرمز ماست

استاندار: معاش مردم را امنیتی نکنید

استاندار خراسان رضوی گفت: نباید مسایل اقتصادی را به بحران های امنیتی تبدیل کرد و مدیریت انفعالی خط قرمز ماست. غلامحسین مظفری در جلسه شورای اداری استان خراسان رضوی با تسلیت شهادت و جان باختن تعدادی از هم وطنان و هم استانی ها در حوادث اخیر، اظهار کرد: اعتراض و مطالبه گری عمومی و اجتماعی حق مردم و نشان دهنده پویایی جامعه است؛ اما خشونت و سواستفاده از این فضا به طور طبیعی قابل قبول نیست و حوادث ناگوار را رقم می زند...

۲

آخرین نفس های پدر در کیک پزی

تقدیر از روسای موفق شعب موسسه اعتباری ملل

۶

۵

یادداشت



انقلاب؛ خواست مردم و سنت الهی

۳

عضو شورای سردبیری

سرمقاله



هیجان فروشی ترامپ

۲

مدیر مسؤول

تولید ۳ هزار مگاوات برق پاک در خراسان رضوی

۵



بازی پرهزینه تنش‌ها در خاورمیانه لحظه‌به‌لحظه روبه افزایش دارد. درحالی‌که تلاش‌های دیپلماتیک برای حل‌وفصل منازعات میان ایران و آمریکا ادامه دارد، کاخ سفید با اعزام تجهیزات و جنگ‌افزارهای گوناگون به منطقه همچنان بر پیشبرد تنش‌زایی وبحران تأکید دارد. رسانه‌ها و تحلیلگران تأکید دارند که به‌رغم نزدیک‌تر شدن شیخ جنگ به منطقه، تن دادن کاخ سفید به گزینه نظامی چیزی جز یک اشتباه استراتژیک نخواهد بود. بر این اساس، هرگونه درگیری نظامی مستقیم بین آمریکا و ایران نه تنها می‌تواند به بن‌بست نظامی برای آمریکا منجر شود، بلکه اقتصاد جهانی انرژی را با شوک عمیقی مواجه خواهد کرد. برای آمریکا، برتری و پیروزی در میدان نبرد با ایران آنچنان قابل‌دستیابی نیست. این بدان معناست که برای کسی چون ترامپ که برند سیاسی‌اش مبتنی بر بازدارندگی در خارج و گسست در داخل بوده، درگیری با ایران در تضاد کامل با اهداف وی در حوزه سیاست خارجه قرار می‌گیرد. درگیری احتمالی با ایران که نسبت به برخی از کشورها توانایی‌های نظامی می‌تواند به بن‌بست بیشتری هم‌دارد، نه تنها هزینه تراشی مشابهی را برای آمریکا به دنبال می‌آورد، بلکه می‌تواند عملا اقتصاد این کشور بدهکار را از درون تخلیه کند. همچنین باید در نظر گرفت که آمریکا در حال حاضر درگیر رقابتی نفس گیر با کشورهایی چون روسیه، هندوچین است. سرمایه‌گذاری‌های گسترده کشورهای جهان در حوزه‌های تکنولوژی و هوش مصنوعی باعث شده که کاخ سفید نسبت به عقب ماندن از گردونه رقابت زنگ هشدار را به صدا درآورد. ورود به میدان نبرد در خاورمیانه می‌تواند سبب شود که آمریکا حتی پیش از پیش از هم‌اوردی اقتصادی با کشورهای دیگر، فراموش نباید کرد که موقعیت استراتژیک تهران در منطقه و جهان نیز عاملی است که می‌تواند به ضرر واشنگتن در این جنگ احتمالی تمام شود.

همکار گرامی جناب آقای ارباب

در گذشت مادر همسر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. ما را در غم خود شریک بدانید.

مدیر مسوول و کارکنان موسسه مطبوعاتی رسانه گستر نخست

جناب آقای دکتر افشین تحفه کر

درگذشت مادر همسر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. ما را در غم خویش شریک بدانید.

مدیر مسوول و کارکنان موسسه مطبوعاتی رسانه گستر نخست

مداح گرامی اهل بیت

خادم الرضا، حاج علی خوش چهره

درگذشت برادر گرامیتان را به حضرتعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم، ما را در غم خویش شریک بدانید.

خدام کشیک هشتم حرم مطهر رضوی

- صاحب امتیاز و مدیر مسوول: دکتر علی خسرو شاهی
- سرپرست: سعید کوشافر
- مسئله آرا: محمدرضا شوشتری
- دفتر تهران: پاسداران، بوستان ۸، پلاک ۱۲۰، طبقه ۲ واحد ۷
- تلفن: ۶-۲۲۶۰۰۸۹۵ (۲۱)
- دفتر مشهد: احمدآباد، خیابان قائم، قائم ۱۴، پلاک ۴۶
- تلفن: ۵۱۳۰۸۴۳۷۱۱ (۵۱۳)
- نمابر: ۲۰-۸۴۴۴۰۲۰۰ (۵۱۳) - پیامک: ۳۰۰۰۷۹۸۱
- کد پستی: ۹۱۸۳۸۹۳۱۹
- ایمیل: info@nakhostnews.ir - nakhost@yahoo.com
- چاپخانه: شاخه سبز (قم)
- وب سایت: www.nakhostnews.ir
- کانال اطلاع رسانی: @Nakhostnewsfr

پزشکیان:

جنگ به نفع هیچ کسی نیست



رئیس جمهور بایبان اینکه ایران بر ضرورت شکل گیری روندهای دیپلماتیک و پیگیری دیپلماسی عزتمندانه از موضع برابر و به دور از تهدید تأکید دارد، گفت: برای جمهوری اسلامی ایران، حل مسایل از مسیر دیپلماسی همواره بر جنگ اولویت داشته و امیدواریم طرف مقابل نیز به این درک رسیده باشد که با تهدید و زور نمی‌توان ایران را به مذاکره وادار کرد. مسعود پزشکیان در گفت‌وگوی تلفنی با عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر، ضمن قدردانی از تلاش‌های دلسوزانه، مسوولانه و برادرانه کشورهای اسلامی در مسیر کاهش تنش‌ها در منطقه و حمایت از جمهوری اسلامی ایران، بر سیاست اصولی جمهوری اسلامی در تقویت همگرایی و هم‌افزایی داخلی و نیز تلاش مستمر برای تحکیم و گسترش روابط صمیمانه با کشورهای همسایه و اسلامی در چارچوب سیاست خارجی تأکید کرد. رئیس‌جمهور با اشاره به اقدامات و تلاش‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در جهت تشدید دشمنی‌ها و خصومت‌ها، ایجاد و تحمیل جنگ، اعمال فشارها و تحریم‌ها و درنهایت تحریک مستقیم اغتشاشات و ناآرامی‌ها در داخل ایران تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران به‌هیچ‌وجه به دنبال جنگ نبوده و نیست و عمیقاً

مدیریت انفعالی خط قرمز ماست

استاندار: معاش مردم را امنیتی نکنید



ریشه‌یابی نارضایتی‌ها و قطع ریشه مشکلات است.

مظفری با ذکر خاطره‌ای دراین باره، بیان کرد: ۲۲ سال پیش پدر بزرگواری شهیدی به من گفت «صدای مردم، صدای خداست؛ تلاش کنید این صدا را با گوش جان بشنوید» و این‌یک واقعیت عملکرد صریح و مدیریت کارآمد، پاسخ شایسته‌ای به این همراهی بدهیم. استاندار خراسان رضوی بایبان اینکه مدیریت صرفاً اقدام پس از وقوع پیامد نیست، تصریح کرد: وظیفه اصلی همه ما شنیدن صدای مردم،

معاون امنیتی و انتظامی استاندار خراسان رضوی

۸۰ درصد جانباختگان ناآرامی‌های خراسان رضوی شهید شدند

معاون امنیتی و انتظامی استاندار خراسان رضوی گفت: در این استان بیش از ۸۰ درصد از کسانی که در ناآرامی‌های اخیر جان باختند، از مردم و رهگدان بودند که فرآیند قرار گرفتن آنان در زمره شهدا در دست پیگیری است. امیرالله شمعدری در نشست شورای اداری خراسان رضوی افزود: شورای تأمین استان طی ۱۲ روز از ناآرامی‌های دی‌ماه ۲۰ نشست برگزار کرد که ۱۷۰ مصوبه در پی داشت و ۹۷ درصد از این مصوبه‌ها عملیاتی شد.

یادداشت

انفجار گرانی خودرو و آوار نگرانی بر سر مردم!

شاهد

این همه گرانی با چه منطقی رقم می‌خورد؟ بگذارید صریح‌بپرسیم: با کدام عقل سلیم؟ حتی یک درصد افزایش قیمت هم در اقتصادی که نفشش به شماره افتاده «گرانی» است، چه برسد به این جهش‌های سنگین و بی‌محابا. آن‌جا که عدد از حد می‌گذرد، دیگر اقتصاد تصمیم نمی‌گیرد؛ سیاست است که بی‌پروا بر زندگی مردم فرود می‌آید. یک نمونه‌اش همین قضیه انفجار قیمت خودرو است. هزار البته مسئله خودرو نیست، خودرو فقط نشانه است؛ علامت تب‌لایی که از جای دیگری می‌آید. این افزایش قیمت‌ها، پیش از آن‌که معادله عرضه و تقاضا باشد، ترجمان نوعی بی‌اعتنایی به رون جامعه است. گویی کسی در اتاق‌های تصمیم‌گیری فراموش کرده جامعه، نمودار نیست؛ موجود زنده است، حس دارد، حافظه دارد، و خشم که انباشته‌شد، دیریا زود زبان باز می‌کند. آیا واقعا می‌خواهید هیزم در تنور عصبانیت عمومی بریزید؟ این تنور، نان کسی را نخواهد داد. تجربه تاریخی ما، نه فقط ما، نشان می‌دهد آتشی که از بی‌تدبیری روشن شود، مهارپذیر نیست. اغتشاش از دل فقر ناگهانی بیرون می‌آید، نه از شعار، و گرانی بی‌توضیح، بی‌زمان‌بندی بی‌بهر، دقیقاً همان جرقه‌ای است که بر انبار باروت جامعه می‌افتد. رها کردن بازار، اسم رمز رها کردن جامعه است. بازاری که مهار نشود، تنها یک هنر دارد: تشدید نابرابری و تولید خشم. وقتی قیمت خودرو بالا می‌رود، مردم فقط گران شدن یک وسیله نقلیه را نمی‌بینند؛ آن‌ها ناتوانی خود را در اداره زندگی می‌بینند. حس عقب ماندن، حس تحقیر، حس این‌که بازی هر روز از نونوشته می‌شود و آن‌ها همیشه بازنده‌اند. مدیران کجای این معادله ایستاده‌اند؟ آیا صدای این خشم آرام‌اما پیوسته را می‌شنوند؟ کسی که نتواند تعهدش را نسبت به خانواده‌اش انجام دهد، به هیچ نظم عمومی متعهد نخواهد ماند. این گرازه، اخلاقی نیست؛ جامعه‌شناختی است. فروپاشی تعهد از خانه شروع می‌شود و به خیابان می‌رسد. ما یک خطای مفهومی بزرگ را سال‌ها ست تکرار می‌کنیم: ایران را کوچک می‌کنیم تا مردم را خانه‌ها جا شود. حال آن‌که باید خانه‌ها را بزرگ‌تر قمن، قابل پیش‌بینی و قابل زیست و محترم کنیم که ایران در آن‌ها معنا بگیرد. تفاوت این دو، تفاوت میان «شهروند» و «ساکن» است. وقتی خانه مردم به اندازه ایران باشد، نسبت به همه کشور احساس مسوولیت می‌کنند. اما وقتی ایران به اندازه خانه‌شان کوچک‌شود، مسوولیت‌گریزی به یک انتخاب، گو‌وکنش طبیعی خواهد بود. گرانی آسار گسیخته خودرو، نشانه قطع رابطه سیاست‌گذاری با زندگی روزمره مردم است. و سیاست‌که زندگی را نبیند، دیر یا زود مشروعیت تصمیم‌هایش را هم از دست می‌دهد. عقلانیت، در چنین لحظه‌ای، نه در توجیه عده‌ها که در فهم حال جامعه است. پیش از آن‌که قیمت‌ها را بالا ببرید، یکبار از خود پرسید: ظرفیت روانی این جامعه چقدر است؟ پاسخ این سوال، مهم‌تر از هر فرمول اقتصادی می‌تواند ما را با آینده مواجه کند. آیا متولیان امر به «آینده» فکر می‌کنند؟ یا ناگهان‌شان از جنس نگاه «بانک آینده» است که با همه مصائبش در دل «بانک ملی» هضم‌شد؟ این آینده‌ما خود ما را هضم می‌کند اگر همین امروز چاره نکنیم گرانی را....

همکار گرامی جناب آقای وطن دوست

در گذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. ما را در غم خود شریک بدانید.

مدیر مسوول و کارکنان موسسه مطبوعاتی

رسانه گستر نخست

در حسرت آرزوهای گذشته



و سنجیدن توانایی‌ها و واقع‌بینانه‌تر شده‌اند. باین حال، می‌افزاید که امیدش به آینده چندان بالا نیست، هرچند تمام تلاشش را می‌کند. او در تعریف ناامیدی می‌گوید: ناامیدی برای من به معنای این است که بعد از تلاش‌های مکرر، به نتیجه‌ای که انتظار داریم نرسیم. این تجربه را گاهی لمس کرده‌ام. فاطمه ریشه ناامیدی را فقط در خودش نمی‌بیند. او از شرایط اقتصادی، وضعیت جامعه و حتی سردرگمی جوانان در شناخت استعدادهایشان می‌گوید؛ عواملی که به‌تدریج افق آینده را کوتاه‌تر و مبهم‌تر می‌کنند.

دبیر ستاد ملی جمعیت تشریح کرد

کاهش تمایل زنان خانه‌دار به فرزندآوری

دبیر ستاد ملی جمعیت ضمن تشریح وضعیت اجرای تسهیلات تشویقی فرزندآوری ازجمله ارایه زمین و وام فرزندآوری به متقاضیان مشمول، با استناد به برخی پژوهش‌ها گفت: تعداد زیادی از افراد در سن باروری، هنوز مجردند زیرا دارای مشکلاتی نظیر اشتغال، مسکن و نبود درآمد پایدار هستند و به همین دلیل ازدواج نمی‌کنند. مرضیه وحید دستجردی - با اشاره به اثرگذاری قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، گفت: باید مشکلات مردم را بررسی و حل کرد. هرچند «قانون»، مقدمه هر عمل است اما به‌تنهایی با قانون، نمی‌توان نظرات مردم را تغییر داد. دستجردی در همین راستا به بررسی و سنجش اثر قانون از زمان ابلاغ آن تاکنون اشاره کرد و گفت: از زمان تصویب و ابلاغ قانون تاکنون، چهار سال

۱۰ هزار میلیارد سرمایه‌گذاری شهرداری مشهد برای تقویت ناوگان شهری

مجد خروشی

میلیارد تومان صرفه‌جویی اقتصادی به همراه دارد. محسن شریعتی با اشاره به انجام بیش از ۲۱ میلیون سفر توسط ناوگان اتوبوسرانی مشهد در ماه گذشته و سهم بالای این بخش در حمل‌ونقل درون‌شهری تأکید کرد؛ مطالبه اصلی مردم از شهرداری، نوسازی ناوگان است. در همین راستا، طی دوره ششم مدیریت شهری، ۳۵۵ دستگاه اتوبوس جدید و استاندارد خریداری و وارد چرخه خدمت شده است. همچنین قرارداد خرید ۳۰۰ دستگاه اتوبوس دیگر منعقد گردیده و ۱۸۰ دستگاه اتوبوس به سایبان و نیمکت‌های استاندارد، از جمله این اقدامات بوده است.

دست روی دست گذاشتن است.

آرزو داشتن خودش آرزو شده است

لیلا- الف ۲۴ ساله، اما از زاویه دیگری به مساله نگاه می‌کند. او می‌گوید: در سال‌های گذشته، پیشرفت تحصیلی، شغل مناسب، استقلال و ازدواج در ذهنم بود اما همه این موارد امروز بیشتر شبیه خواسته‌های طبیعی زندگی به‌نظر می‌رسد. به نظر من آرزو قرار بود بعد از رسیدن به این خواسته‌ها شروع و اتفاقات دورتر و بلندپروازانه‌تری را شامل شود.

اما امروز، آرزوی اصلی این جوان چیز دیگری است؛ او در این رابطه توضیح می‌دهد: آرزویم این است که شب را با ترس و نگرانی از اخبار و اتفاقات جامعه و تأثیر آن بر زندگی‌ام سپری نکنم. سپس ادامه می‌دهد: می‌توانم بگویم آرزویم این است که حتی نتوانم به آرزو کردن فکر کنم.

لیلا معتقد است کوچک شدن آرزوها صرفاً نتیجه بزرگ شدن افراد یا تغییر نگاه به زندگی نیست، بلکه محصول فشار مداوم واقعیت‌های است. او می‌افزاید: جایی که تأمین خواسته‌های اولیه دشوار و بقادر اولویت قرار می‌گیرد، آرزو داشتن معنای خود را از دست می‌دهد.

انقلاب نمی‌کنند، انقلاب می‌شود. این یک گزاره قطعی است که هم‌ما زیست کرده‌ایم و هم دیگران. انقلاب مثل سرریز کردن آب از ظرف است. بالاتر، مثل سرریز کردن سد است. و بازهم بالاتر، چون به اصلاح نمی‌پردازند حاکمان، به شکستن سد می‌انجامد و سیل، بنیان افکن می‌شود چنان‌که شد. غیرقابل‌پیش‌بینی نمی‌بود که پیش‌هنگام می‌دیدند آنان که عالمانه و عاقلانه نگاه می‌کردند. بعدتر نشانه‌هایش بیشتر و به چشم بیشتری از آدم‌ها آمد مگر آن‌هایی که هم‌چشم خود را بستند و هم‌دست‌های خود را روی چشم‌بسته گذاشتند! یک نمونه‌اش همین «غلامرضا مقدم» است که در خاطراتش می‌گوید: «در پایان دهه ۱۳۴۰، من در مقام معاونت اقتصادی سازمان برنامه، یک گزارش کاملاً سری تهیه کردم و در آن به ساختار قدرت هشدار دادم که اگر روندهایی که در دهه ۱۳۴۰ وجود داشته استمرار پیدا کند، به‌زودی رژیم پهلوی فرو خواهد پاشید.» او دید و حتی گفت و گزارش کرد اما شنیده نشد؛ «وقتی این گزارش در شورای اقتصاد مطرح شد، هویدا به من تویید. مقدم می‌گوید هویدا گفت این حرف‌ها چیست که تو می‌زنی؟ با این حرف‌ها داری تمام دستاوردهای انقلاب شاه و ملت، شش بهمن، را به سخره می‌گیری و زحمات خادمان کشور را نادیده می‌گیری.» هم‌پنبه در گوش کردند و هم‌دست روی چشم گذاشتند و چنان‌که «دکتر فرشاد مومنی» به نقل از کتاب «هدی صابر»، می‌گوید، عامل اصلی سقوط رژیم پهلوی این بود که فرادستان آن زمان نتوانستند بفهمند که منافع ملی باید بر منافع اقلیت فرادست ترجیح داده شود. فساد فراگیر، کار را تمام کرد. مردم، پی حق خویش برخاستند. عوامل طبیعی فروپاشی در دایره سنت‌های الهی معنا یافت تا شاهد خوانش آیه ۵ سوره مبارکه قصص، در قصه‌ای تازه برای سرزمین عزیز ایران باشیم: «وَتَرَىٰ أَنَّ تُمَّٰلَ عَلَى الذَّيْنِ اسْتَفْضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلُهُمْ أُتْمًا وَجُفَاءً» ترجمه: «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین مُتَمَّ نهمیم و آنان را بی‌شویبان و وارثان روی زمین قرار دهیم!» جمهوری اسلامی ایران، چند خط است از سنت الهی. این کتاب با ظهور حضرت ثقیه الله الاعظم، در همه جهان خط به خط خوانده و زیسته خواهد شد. ما روزهایی را زیست خواهیم کرد که عدالت همه‌چیز را در نظمی الهی فراهم آورد. نظمی که همه نظام‌ها را برای تعالی انسان برنامه‌ریزی می‌کند.

از قلم شهروند

نیاز روزافزون مردم به نقدینگی فراتر از کالابرگ

علی عدالتیان

با اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی دولت تلاش کرده است بخشی از فشار اقتصادی بر خانواده‌ها را کاهش دهد و دسترسی آنان به کالاهای اساسی را تضمین کند. این طرح که شامل ۱۱ قلم کالای مشخص مانند روغن، برنج، مرغ، لبنیات و ... است، قرار بوده جایگزینی برای یارانه نقدی در برخی موارد باشد و اثر تورم را بر سبد خانوارها کم کند. بااین حال واقعیت زندگی روزمره بسیاری از شهروندان نشان می‌دهد که نیازهای اقتصادی مردم بسیار فراتر از این اقدام محدود است. در روزهای اخیر انتشار آگهی‌هایی با مضمون «تبدیل کالابرگ به پول نقد بالاترین قیمت ۹۰۰ تومان، خریداریم» نشان‌دهنده این واقعیت است که مردم بیش از آن‌که نقدینگی نیاز دارند، خانواده‌ای که با هزینه‌های اجاره، درمان، آموزش فرزندان و سایر مخارج روبه‌روست، ممکن است حتی از دریافت کالاهای اساسی صرف‌نظر کنند تا بتواند بخشی از مشکلات مالی خود را از طریق پول نقد حل کند. معاون رفاه وزارت کار در واکنش به این روند تصریح کرده «فروش کالاهای غیراساسی با اعتبار کالابرگ غیرقانونی است اما این جمله خود بیانگر شکاف میان سیاست‌حاکماتی و واقعیت معیشت مردم است. زمانی که درآمد‌ها پاسخگوی هزینه‌های پایه زندگی نیست، هر شکل حمایت غیر نقدی ممکن است از نگاه مردم کارآمد به نظر نرسد.

همسر مرا با جانقلم مقایسه می کرد، دنبال خوش گذرانی بود و سلخته بازی هایش آرام می داد.

یک روز، هر دو پایش را در یک کفش کرد باید خودروی مان را بغروشیم و یک خودروی صفرکیلومتر بخریم.

هرچه می گفتم تازه ازدواج کرده ایم و باین همه هزینه های سنگین، نمی توانیم قسط بدهم فایده ای نداشت، بغض کرده بودم. از خانه بیرون زدم. پیامک تحقیرآمیزی فرستاد قلم را درد آورد. نوشته بود: «تو لیاقت مرا نداری،» گوشی را خاموش کردم.

زیر لب بدویبراه می گفتم، نگاه خانمی جوان توجه مرا به خودش جلب کرد. در ایستگاه اتوبوس منتظر بود. ناخودآگاه پدال ترمز را فشار دادم.

با لبخندی چاه آمد. در ماشین را باز کرد و کنارم نشست. بی مقدمه از تلخی های روزگار گلایه می کرد. من هم دنبال گوش مفت می گشتم سفره دلم را باز کردم.

زن جوان خیلی ماهارانه قلم با بازی می کرد، چشمانش پر اشک شد. می گفت بچه اش مریض است و پول دارو ندارد.

ا دعا می کرد مطلقه است، دلم برایش سوخت. مقداری پول به او دادم و شماره تلفنم را گرفت تا در آینده بدهی خود را بپردازد.

ارتباط ما در فضای مجازی برقرار شد. چند روز بعد، پیام داد فردی برایش ایجاد مزاحمت می کند. هنوز می خواستم سراغ فرد مزاحم بروم که همسرم پیامش را دید و فهمید. عوایمان شد. خانواده اش را خبر کرد. با توپ پر آمدند و دست به یقه شدیم.

نمی خواهم اشتباهم را توجیه کنم ولی کاش همسرم اندازه جاروبرقی یا ماشین لباسشویی خانه مانم برای ارزش قابل بود.

.....

قتل همسایه باوینچستر

مرد ۴۰ساله ای که با شلیک گلوله در تاریکی شب،جنایت هولناکی را در مشهد رقم زده بود، انگیزه خود از ارتکاب این جنایت مسلحانه را نزاع برسر اختلافات و کینه و کدورت های قبلی ذکر کرد.
مرد ۴۰ساله ای به نام «حسین ا» که دو روز قبل در عملیات غافلگیرانه کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد در مخفیگاهش دستگیرشده بود در بازجویی های فنی و تخصصی کارآگاهان که با دستورهای مستقیم قضایی ویژه قتل عمد مشهد صورت گرفت، به تشریح ابعاد جدیدی از جنایت خود پرداخت و درباره زوایای پنهان آن گفت:
اختلافات و درگیری های بین ما از حدود ۲-۳سال قبل زمانی آغاز شد که همسر یکی از بستگان خلیل(مقتول) شوهرش طلاق گرفت و با برادر من ازدواج کرد. این موضوع خیلی زود به کینه و کدورت های خانوادگی انجامید و علت بسیاری از نزاع ها و درگیری ها شد به طوری که هر بار مقابل یکدیگر قرار می گرفتیم، این کینه و کدورت ها سر باز می کرد و توهین و فحاشی ها شروع می شد. از سوی دیگر مادر یک کوچه اقامت داریم و همسایه روبه رویی هم هستیم.

به همین خاطر هم زیاد با یکدیگر چشم در چشم می شدیم تا این که روز حادثه بازهم همین اتفاق افتاد و درگیری لفظی بین من و خلیل به توهین و ناسزا کشید.

من هم که دیگر از رفتارهای او به شدت عصبانی شده بودم در همان دقایق پایانی شب به داخل خانه رفتم و سلاح وینچستر برداشتم. سپس از خانه بیرون امدم و مقابل در حیاط آن ها (مقتول) قرار گرفتم. «خلیل» وقتی با سروصدا به در حیاط آمد که من هم در همان حالت خشم و عصبانیت دوبار شلیک کردم . بعد ازآن که دیدم او روی زمین افتاد. بلافاصله سوار خودروی مکان خودم شدم و ازآنجا گریختم. سپس در شهرهای مختلف کشور مانند تربت جام و اصفهان سرگردان بودم تا این که احساس کردم اوضاع آرام شده است. به همین خاطر پنهانی به مشهد امدم و در روستای رنشک مخفی شدم اما نمی دانستم زیر چتر اطلاعاتی کارآگاهان پلیس آگاهی قرار دارم و آن ها مرا تعقیب می کنند...

با اعتراضات صریح منم، تحقیقات برای کشف سلاح وینچستر نیز درحالی آغاز شد که وی ادعا دارد آن را نزد یکی از دوستانش به امانت سپرده است.

کلاهبرداری تلایی!



نقره جات، شهروندان را با وعده سوددهی بالا به سرمایه گذاری ترغیب کرده و پس از جذب سرمایه ها، نه تنها سودی پرداخت نکرده بلکه اصل پول افراد را نیز بازنگردانده است. فرمانده انتظامی مشهد تصریح کرد: با جمع آوری مستندات و احراز فعالیت مجرمانه متهم، هماهنگی های قضایی برای دستگیری وی انجام شد. در همین بررسی ها مشخص شد متهم در تدارک فرار و خروج از دسترس

قانون است که همین موضوع اجرای سریع عملیات پلیسی را ضروری کرد. وی گفت: کارآگاهان پلیس آگاهی با انجام رصد های اطلاعاتی و عملیات ضربتی، پیش از عملی شدن نقشه فرار، متهم را شناسایی و دستگیر کردند. سرهنگ چراغ با اشاره به ثبت شکایت ۱۵۰ نفر از مالباختگان افزود: متهم پس از انتقال به دایره جلع و کلاهبرداری پلیس آگاهی، تحت بازجویی های تخصصی قرار گرفت و بررسی ها نشان

داد وی حدود ۲ هزار میلیارد ریال از شهروندان کلاهبرداری کرده است. تحقیقات برای شناسایی ابعاد دیگر وسوسه انگیز ترغیب کرده بود، پیش از فرار از کشور در عملیات ضربتی پلیس آگاهی دستگیر شد؛ تا کنون ۱۵۰ مالباخته از این متهم شکایت کرده اند.

فرمانده انتظامی مشهد از دستگیری مردی خبر داد که با ترغند سرمایه گذاری در حوزه طلا و نقره، مبالغ کلانی از شهروندان کلاهبرداری کرده بود. سرهنگ محمد چراغ در تشریح جزئیات این پرونده گفت: در پی تشکیل پرونده های متعدد کلاهبرداری با عنوان سرمایه گذاری ویژه در زمینه طلا، رسیدگی تخصصی به این موضوع در دستور کار گروهی از کارآگاهان مجرب پلیس آگاهی قرار گرفت. وی افزود: بررسی های نامحسوس و اظهارات مالباختگان نشان داد مردی جوان با راه اندازی سه باب مغازه تحت عنوان خرید طلاهای مستعمل و فروش

آخرین نفس های پدر در کیک پزی

بیش از ۱۲ ساعت تحقیقات قضایی شبانه درباره زوایای تکان دهنده جنایتی که در یک سوله کیک پزی درون باغی در اطراف مشهد رخ داده بود، متهم به قتل را در حالی پای میز عدالت نگاهان تصمصم خونسردی وصفناپذیری اعتراف کرد: «از قتل پدرم پشیمان نیستم و نمی دانم چرا جسد او را نسوزاندم!»
۹ جوان ۱۹ ساله ای که با انگیزه عقده های درونی و اختلافات خانوادگی، نقشه شوم قتل پدرش را در سر داشت، بعد از ظهر سه شنبه گذشته ناگهان تصمیم هولناک خود را به تار ویود افکار وحشتناک گره زد و به بهانه بیماری مادرش با برادر بزرگ تر خود تماس گرفت که نزد پدرش در سوله کیک پزی، مشغول کار بود. «سلمان» که با یک خط تلفنی ناشناس با برادرش سخن می گفت از او خواست تا مادرش را با خودرو به مرکز درمانی بفرستد! او ادامه داد: من نمی توانم مادر را با موتورسیکلت ببرم و مادر حال خوبی ندارد! «ع» نیز به برادرش اطمینان داد که در مسیر بیمارستان است و خودش مادر را به مرکز درمانی می برد.

«سلمان» که با شنیدن این جمله، بخشی از دسیسه وحشتناک خود را در مرحله اجرا می دید با این ترفند برادرش را از سوله کیک پزی بیرون کشید و یقین پیدا کرد که حالا پدرش درون باغ بزرگ اطراف روستای کلاکوب تنها مانده است. بنابراین بی درنگ دسته چاقوی ترسناک یک دم خود را فشرده و به طرف باغ حرکت کرد. او با خونسردی و در حالی که خمشی عجیب را با عقده های فروخورده درآمیخته بود قدم هایش را به سمت سوله درحال احداث کیک پزی تندتر کرد و در سوله بزرگ را به صدا درآورد. پدر ۵۶ ساله که نمی دانست چه حادثه هولناکی انتظارش را می کشد، انجام کارهای ساختمانی را رها کرد و در سوله را کشود اما هنوز با سادتمانی رها کرد و در سوله را کشود اما هنوز با دیدن چاقوی ترسناکی که بالا رفته بود، حیرت زده به فرزندش می نگریست که ناگهان تیغه برنده چاقو

بر سروصورتش فرود آمد! مرد میان سال که ناباورانه به رفتارهای دلخراش پسرش اعتراض می کرد، فریاد زد: «این چه کاری است که می کنی؟» ولی پسر جوان فرصت فریاد را نیز از او گرفت و با ضربات پی درپی، چاقو را بر پیکرش فرومی برد و بیرون می کشید. مرد زخمی کشش که حالا «مرگ» را به چشم می دید نگاهی به دور گلوی پسرش انداخت که به انگلیسی کلمه «مرگ» را خالکوبی کرده بود. در این شرایط ترسناک، چاره ای جز فرار از چنگ «مرگ» پیدا نکرد و هراسان و سراسیمه به درون سوله گریخت اما از شدت وحشت، ناگهان پایش لغزید و روی خاک های سوله غلتید. در این هنگام جوان خشمگین، بروی کمر پدر نشست و بازهم ضربات هولناک دیگری را به بالاتنه او وارد کرد. خون از نقاط مختلف پیکر ۵۶ ساله فواره می زد و بیل، آجر و دیگر لوازم را سرخ آگین می کرد.

طولی نکشید که دیگر مرد میان سال دست و پا نمی زد و نفس نمی کشید. پسر جوان که حالا از «مرگ» پدرش مطمئن شده بود از روی جسد بلند شد و تصمیم گرفت تا با سوزاندن پیکر خون آلود پدرش، اثری از او برجای نگذارد اما در یک لحظه از این تصمیم هولناک خود منصرف شد. او به سختی جسد را روی زمین می کشید تا آن را با فرغون به انتهای سوله کیک پزی انتقال دهد اما قدرت بدنی کافی نداشت تا جسد را از روی زمین بلند کند. به همین خاطر هم لباس های کارگری پدرش در دوسوی پیکر وی جمع شد و او به سختی جسد نیمه عریان را درون فرغون گذاشت تا به نقطه انتهایی سوله برسد. ولی لاستیک چرخ فرغون کم باد بود و او نتوانست آن را حرکت بدهد. به همین خاطر جسد را کشان کشان به انتهای سوله در حال احداث برد و سپس کف زمین خاکی را حدود ۲۰ تا ۳۰ سانتی متر حفر کرد و پیکر غرق در خون پدرش را درون آن انداخت.

خودرو صفر؛ آرزوی دست نیافتنی جوانان



بازار خودرو در ایران این روزها با سرعتی سرسام آور بالا می رود و حتی خرید یک خودروی دست دوم برای جوانان، تبدیل به آرزویی دور از دسترس شده است. پراید و خودروهای کوچک اقتصادی که زمانی نماد امید و استقلال بودند، حالا با قیمت های نجومی، زندگی روزمره نسل جوان را محدود و آرزوهایشان را خاکستری کرده اند. هر هفته که قیمت ها بالا می رود، فاصله میان واقعیت و رویا برای جوانان عمیق تر می شود.

مینا کیفش را روی دوش انداخت و با قدم های تند از خیابان عبور کرد. چشمش به یک نمایشگاه خودرو افتاد؛ پشت شیشه، پرایدی سفید و دست دوم خودنمایی می کرد، اما قیمتش با حقوق یک سال او و حتی پس انداز چندساله اش هم جور در نمی آمد. کنار او، نوید با سر پایین و گوشی در دستش، قیمت ها را چک می کرد و هر بار که عدد جدید می دید، نفسش سنگین تر می شد.

یعنی واقعا دیگه نمی شه به ماشین ساده داشت؟ مینا با صدای آهسته پرسید، انگار خودش هم می ترسید جوابش را بشنود. نوید سرش را تکان داد و گفت: «نه... حتی دست دوم هم دیده شده به آرزو.» آن ها هر دو، جوانانی با رویاهایی ساده، حالا با واقعیتی روبرو بودند و آن اینکه داشتن خودرو، حتی یک مدل معمولی و قدیمی، تبدیل به یک رویا و نمادی از فاصله میان تلاش و واقعیت شده است.

وقتی خودروها روی خیابان حرکت می کردند، مینا و نوید احساس می کردند که هر ماشین یک سد است، یک دیوار نامرئی که بین آن ها و استقلالشان کشیده شده و هیچ پس انداز و هیچ تلاشی نمی تواند آن را بشکند. وقتی داشتن یک خودروی معمولی، آرزویی دور از دسترس می شود تلاش می کند یک قدم به خرید خودرو نزدیک شود. اما هر هفته که قیمت ها را نگاه می کند، می بیند فاصله او با آرزویش نه تنها کم نشده، بلکه قدم قدم دیگر هم بیشتر شده است. این حس محرومیت، بیش از هر عدد و رقم، تلخ است. این یک بحران اقتصادی صرف نیست؛ این یک شبیه یک رویای دست نیافتنی است تا یک انتخاب واقعی.

در هفته گذشته، بر اساس داده های سایت های فروش خودرو، قیمت خودروهای داخلی چند صد میلیون تومان افزایش

سوالات «عقلم»

محمد حسین روشک- قلم کهنه سرباز دفاع مقدس

صبح امروز قلم نوشت حداقل من که می دانم تو سرباز بودی و تلاش داری که همچنان کهنه سرباز باشی، لذا چند سوال در مورد انتخابات شورای اسلامی شهر دارم.
۱- آیا بعد از حوادث اخیر که جمعی از مردم ضمن اعتراض به گرانی ها ، درخواست های سیاسی از جمله آزادی های انتخاباتی نیز داشتند، این انتخابات است که در کشور به ویژه شهر ما در جریان است ؟؟؟

۲- آیا این انتخابات است که بیش از پنجاه درصد معتمدینی که در انتخابات هیچ کاره هستند و فقط پنج نفر از آنها برای هیات اجرایی که آن پنج نفر نیز هیچ دوخته بود، در یک باغ ختم به مشاهده خاک های مرده هم خورده در انتهای سوله ، دستور حفر محل را صادر کرد و خیلی زود پیکر خون آلود و نیمه عریان مالک سوله از زیر خاک ها بیرون کشیده شد. درحالی که برادر بزرگ تر سلمان ، ماجرای تماس وحشتناک برادرش را برای قاضی ویژه پرونده های جنایی بازگو می کرد، دستور ردنی وی از سوی مقام قضایی صادر شد و بدین ترتیب گروه تخصصی کار آگاهان با هدایت مستقیم سرهنگ ولی نجفی (ریس دایره قتل عمد آگاهی مشهد) درصدد شناسایی مخفیگاه متهم به قتل برآمدند و او را در تنگنای اطلاعاتی قرار دادند به طوری که حدود ساعت ۳ با مباد ، وقتی «سلمان» عرصه را تنگ دید به طرف کلاترزی آکبوه به راه افتاد و خود را تسلیم قانون کرد.



سیده بهجت موسوی مقدم

وزیر آموزش و پرورش با تاکید بر این که عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش دو محور اصلی سیاست های دولت چهاردهم است، از اقدامات گسترده دولت در حوزه تأمین نیروی انسانی، توسعه فضاهای آموزشی، هوشمندسازی مدارس و پرداخت مطالبات فرهنگیان خبر داد. به گزارش نخست ، علیرضا کاظمی اظهار



گرانی افسار گسیخته، دیگر صرفا یک مساله اقتصادی نیست؛ به مساله ای عمیقاً اجتماعی و انسانی تبدیل شده است. امروز فشار تورم، پیش از آنکه بر بازار را بگذارد، بر روان خانواده ها سنگینی می کند؛ بر سفره هایی که هر روز کوچک تر می شوند و بر دل هایی که با اضطراب «کم آوردن» می تپند. خانواده های کم بضاعت، در خط مقدم این فرسایش خاموش ایستاده اند؛ بی سرصدا، بی ادعا و اغلب بی پناه. در این شرایط، هزینه زندگی فقط بالاترفته، بلکه مفهوم «کفاف دادن» از زندگی بسیاری از مردم حذف شده است. پدرانی که با تمام تلاش، دخلشان به خرچشان نمی رسد؛ مادرانی که مدیریت معیشت را با حذف نیازهای خود آغاز می کنند؛ و کودکانی که زودتر از سنشان، معنای محدودیت را یاد می گیرند. این ها تصاویرهای اغراق آمیز نیست؛ واقعیت روزمره بخشی از جامعه است که دیده نمی شود، چون فریاد نمی زند. مساله اصلی فقط نبود پول نیست؛ از بین رفتن احساس امنیت است. وقتی خانواده ای نتواند برای فراد یک برنامه ریزی کند، وقتی هر افزایش قیمت، آرامش روانی را تهدید می کند، جامعه وارد چرخه ای از اضطراب مزمن می شود. در چنین وضعیتی، فرسودگی روانی، ناامیدی و کاهش تاب آوری اجتماعی پیامدهای اجتناب ناپذیرند. این فشار پنهان، آرام آرام کیفیت روابط خانوادگی و اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. بی تفاوتی عمومی در برابر این وضعیت، خطرناک تر از خود گرانی است. عادت کردن به رنج دیگران، جامعه را آرام آرام بی حس می کند و حساسیت اخلاقی را کاهش می دهد. وقتی فقر به یک «خبر تکراری» تبدیل شود، مطالبه گری اجتماعی جای خود را به انفعال می دهد و شکاف های طبقاتی عمیق تر می شوند؛ شکاف های که ترمیم آن ها در آینده، هزینه های بسیار بیشتری خواهد داشت. حمایت از خانواده های کم بضاعت در این شرایط، نه لطف است و نه صدقه؛ یک ضرورت اجتماعی است. جامعه ای که فشار معیشتی را فقط مساله فردی «بداند، دیر یا زود هزینه های سنگین تری خواهد پرداخت؛ از کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی گرفته تا افزایش تنش های پنهان و ناراضیاتی های انباشته، حمایت عمومی، یعنی پذیرفتن این واقعیت که دوام جامعه، وابسته به حال ضعیف ترین لایه های آن است.

این حمایت، الزاماً به معنای کمک های بزرگ نیست. گاهی مشارکت های کوچک اما گسترده، اثرگذارتر از اقدامات محدود و نمایشی اند. همراهی مردم، مسوولیت پذیری نهاده ها، ورود هدفمند گروه های مردمی و نقش آفرینی آگاهانه رسانه ها می تواند فشار را از روی خانواده هایی بردارد که مدت ها است با زندگی را به تنهایی می کشند. مهم آن است که این حمایت ها مستمر، منسجم و عاری از نگاه مقطعی باشد. آنچه بیش از همه اهمیت دارد، حفظ کرامت انسانی است. خانواده های کم بضاعت نیازمند دیده شدن محترمانه اند، نه نمایش فقر. سیاست های حمایتی و کنش های مردمی زمانی مؤثرند که عزت نفس افراد حفظ شود و کمک رسانی به ابزاری برای تحقیر ناخواسته یا برچسب زنی اجتماعی تبدیل نشود.

در نهایت، این پرسش پیش روی همه ماست: در برابر گرانی فراگیر، جامعه چه نقشی می تواند ایفا کند؟ پاسخ روشن است؛ یا هر کس فقط به خود فکر می کند و هزینه های اجتماعی آن را می پذیرد، یا مسوولیت جمعی را جدی می گیریم و اجازه نمی دهیم فشار اقتصادی، پیوند های انسانی را از هم بگسند. و حالا، در آستانه ماه رمضان، ماهی که فلسفه اش تمرین همدلی، احساس مسوولیت و دیدن دیگری است، این انتخاب بیش از هر زمان دیگری معنا پیدا می کند.



• 3 Feb . 2026 هفته نامه ورزشی و هنری • سال یازدهم • شماره ۴۸۳ • صفحه ۱۰۰۰۰ تومان

• سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ • ۱۴ شعبان ۱۴۴۷

• Telegram.me/Nakhostnewsir



۶ سینما منبر من است



۳ حضور دختر قویجانی در یک

۲
تربیت نسل آینده اولویت ما می باشد